

جامعه شناسی دینی – اسلامشناسی اجتماعی
آیا حکومت و شریعت اسلامی قرآنی و الهی اند؟

قرائت قرآن «غیر دینی»

جلد ۱

محدودیت های قرآنی و
تحریفات قرائت «رسمی و با واسطه»

رضا ایرملو

پروفسور جامعه شناسی - سوئد

توجه: برای تهیه کتاب به کتابفروشی های معتبر در اروپا و آمریکا و یا مرکز
توزیع آن در آلمان، کتابفروشی فروغ تلفن: ۰۰۴۹۲۲۱۹۲۳۵۵۷۰۷ و فاکس
۰۰۴۹۲۲۱۲۰۱۹۸۷۸ مراجعه فرمائید.

(این صفحه فقط برای درج در اینترنت اضافه شده است. دوستانی که کتاب را
چاپ می کنند می توانند از این صفحه صرف نظر کنند.)

آدرس برای اظهار نظر: gghevredini@yahoo.com

مشکل طبقه بندی موضوعات

حدود ۶۲۰۰ آیه قرآن بر اساس موضوع در حدود ۱۱۴^{۲۷۰} سوره جمع شده اند.

آیه ها گاهی فقط از حرفی و کلمه ای تشکیل می شوند و گاهی هم یک یا چند عبارت و جمله را در بر دارند. برخی از آیات هیچ معنایی را نمی رسانند، در حالی که برخی نه فقط در مورد یک، بل چندین موضوع مختلف بحث می کنند.

تعداد آیات سوره ها (فصل های قرآن) یکی نیستند. سوره هایی به قدری بزرگ یا از نظر آیه ها به قدری پرشمارند که در آن از موضوعاتی فراوان که اکثراً ارتباط چندانی هم با هم ندارند، بحث می شود. این در حالی است که تعدادی از سوره ها، از نظر تعداد آیه ها به قدری کم شمارند که برای بیان موضوعی معین هم کفایت نمی کنند. تعداد آیات سوره البقره ۲۸۶ تا است، در حالی که آیات تشکیل دهنده سوره النصر بیش از سه آیه نیستند.

مشکل فقدان سیر منطقی یا تعریف شده فقط شامل کلیات قرآن نیست، بلکه در مورد محتوی سوره ها یا فصل فصل قرآن نیز صادق است. به طور مثال بسیاری از سوره ها نشان نمی دهند که از کجا شروع شده، چه پیامی را در بر گرفته و به کجا ختم شده اند، و اساساً چه موضوع و منظور از پیش اندیشیده شده ای را مورد بحث قرار می دهد. اکثر سوره ها دارای نظم زمانی و مکانی نیستند و به خصوص سوره های بزرگ، همچنین فاقد نظم موضوعی اند و از تعدادی آیه هائی مربوط و نامربوط به نام و عنوان خود تشکیل شده اند.

²⁷⁵ تعداد سوره های قرآن ۱۱۲، ۱۱۴ و ۱۱۶ هم قید شده است. برای نمونه مفسرانی با یکی دانستن آیات انفال و براءت یا توبه، تعداد سوره ها را ۱۱۳ و برخی دیگر با یکی دانستن سوره های ناس و فلق تعداد سوره ها را ۱۱۲ قید کرده اند (ر. ک. به فصل «تحریف آیات برای اثبات کفایت علمی قرآن و شرع ملقب به اسلامی» در جلد سوم این کتاب.

هنوز تقدم و تاخر زمانی سوره ها يا فصل های قرآن نامعلوم است، چه رسد به آن که بتوان گفت کدام آیه از هر سوره، اول "نازل" شده و نسبت به زمان نگارش آیه دیگر تقدم دارد. برای نمونه، بهالدین خرمشاهی در پایان قرآن ترجمه خود جدولی از سوره های قرآن بر حسب زمان نزول شان ارائه داده و دو منبع قرآنی را، که "مصحف علی" ^{۲۷۶} و "مصحف الازهر" نام نهاده، با همدیگر مقایسه کرده است. سوره العلق در "مصحف علی"، سوره شماره یک، ولی در مصحف الازهر، سوره شماره ۹۶ است. این در حالی است که سوره اول مصحف اول، سوره الفاتحه، در مصحف دوم در شماره ۷۳ جای دارد ^{۲۷۷}. طبقه‌بندی محققین غربی نیز در موارد متعددی با تقدم و تاخر هر دو این مصحف ها فرق دارند. به عنوان مثال، ردیف دوم مصحف الازهر، سوره القلم، در ردیف ۱۱۲ مصحف علی و در ردیف ۱۸ طبقه‌بندی نولدکه ^{۲۷۸} قرار دارد و سوره‌های سوم و چهارم و پنجم در مصحف الازهر به ترتیب در ردیف ۲۳، ۲ و ۴۶ طبقه‌بندی نولدکه جای می‌گیرند.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که:

- نه در زمان ابوبکر و عثمان که قرآن هائی جمع آوری و مصحف شدند ^{۲۷۹}، تقدم و تاخر زمانی جمع بزرگی از سوره ها معلوم بودند، نه در زمان حاضر معلوم اند.

و وقتی تقدم و تاخر سوره ها (فصل ها) معلوم و مشخص نیست و آیه ها نیز بر اساس موضوع، زمان یا هر قانونمندی دیگر در آیه ها جا نگرفته اند، به طور طبیعی امکان کشف آغاز و پایان متونی که در موضوعی معین نگارش یافته اند نیز ممکن نیست.

این مشکل، به خصوص از آن جا ناشی می‌شود که همه آیه های سوره های بزرگ (با آیات پرشمار) در همان آن و در یک زمان

²⁷⁶ چنین مصحفی در دست نیست و منابع اسلامی دیگر وجود آن را تأیید نمی‌کنند.

²⁷⁷ قرآن، ترجمه خرمشاهی، پیشین، ص ۶۲۴-۶۲۱.

²⁷⁸ ر.ک. به شجاع الدین شفا، پس از ۱۴۰۰ سال، جلد ۲، ص ۱۱۶.

²⁷⁹ Turan Dursun, Kuran, s 23-24.

نگارش نیافته اند و کار نگارش آیه های این گونه سوره ها، که عموماً در موضوعات مختلف نگارش یافته اند، سال ها طول کشیده است. این توضیح به این معنی هم نیست که وقتی آیه ای می آمده، معلوم بوده که این آیه ادامه این یا آن آیه و سوره است و باید در کدام سوره و در قبل یا بعد از کدام آیه آن قرار بگیرد. از آن رو، آیات جدید، بدون هر گونه «نظم منطقی» در این یا آن سوره و در اول و آخر این یا آن آیه جای گرفته اند. این است که آیات مربوط به یک موضوع مشخص در جاهای مختلف قرآن پخش اند.

جمعی از متشرعین که اصولاً کاری به عقلانی و منطقی بودن امور ندارند، مدعی اند که جای هر آیه را خود رسول تعیین می کرده و این نیز سبب الهی داشته است. اما چنین ادعائی، به خصوص در مورد سوره های بزرگ که ساختاری چنین غیر منطقی دارند، عقلاً و منطقاً قابل پذیرش نیست. در زمان ایشان "مصحفی به نام قرآن یا هر نام دیگر" وجود خارجی نداشت و آیات قرآن بر روی مصالح عموماً نامناسب و حتی فاسدشدنی در جایی روی هم تلمبار شده بوده و قسمتی نیز در ذهن فراموشکار تعداد اندکی حافظ قرآن قرار داشت²⁸⁰. از این نظر نیز، نه جایی و نه امکانی برای تقسیم آیات جدید در بین آیات پیشین و انتخاب سوره مربوطه وجود داشت.

منطق ابتدائی فصل بندی

به نظر محققین²⁸¹، کار مصحف کردن قرآن ابتدا در زمان ابوبکر با جمع آوری آیات در کتابی دو جلدی و سپس با تغییراتی در زمان خلیفه

²⁸⁰ Turan Dursun, Koran, s 114;

و ر. ک. به فصل کتابت قرآن در جلد دوم این کتاب.

²⁸¹ Refer to: Turan Dursun, Koran, s 114-122.

سوم، عثمان، با جمع آوری آیات در یک جلد انجام یافت. در هر دو مورد نیز، این حافظان و جمع آوری کنندگان قرآن بودند که هم محل قرار گرفتن آیات و هم تقدم آیه های سوره های بزرگ را نسبت به همدیگر تعیین کردند.²⁸² در نتیجه، بر اساس منطق ضعیف و مغز کمتر تربیت شده این مردم بر آمده از دوره به اصطلاح «جاهلیت»:

- هم آیه های مربوط به موضوعات یکسان، بدون هر گونه نظم و منطقی در تعدادی فراوان سوره های مختلف پخش شدند و،
- هم ترتیب سوره ها نه بر اساس منطق زمانی، مکانی یا موضوعی، بلکه بر اساس گزینشی نا منظم و غیر منطقی، «از بزرگ به کوچک» یا از «سوره هائی با آیات پرشمار به سوره هائی با آیات کم شمار» گرد آوری شدند.

جالب این جاست که این کسان حتی نتوانستند در عمل، این گزینش «غیر منطقی و ابتدائی» خود را به درستی پیاده کنند. از این نظر، در عین حال که سوره ها به ترتیب تعداد آیات از بزرگ به کوچک تنظیم شدند، در این جا و آن جا سوره هائی با تعداد آیات کمتر، بدون توجه به این «گزینش ابتدائی»، قبل از سوره های با آیات بیشتر، قرار گرفتند. در نتیجه، این «نظم ابتدائی و غیر منطقی» را نیز خدشه دار کردند. نگاهی گذرا به تعداد آیات سوره های آغازین قرآن، این چگونگی را به صراحت نشان می دهند:

- سوره اول، الفاتحه، دارای ۷ آیه است. بعد از آن سوره بقره با ۲۸۶ آیه، دومین سوره و سوره های آل عمران با ۲۰۰ آیه، النساء با ۱۷۶، المائده با ۱۲۰، انعام با ۱۶۵، اعراف با ۲۰۶، انفال با ۷۵ و توبه با ۱۲۹ آیه به ترتیب در ردیف چهارم تا نهم جای می گیرند. می بینیم که بر اساس گزینش از بزرگ به کوچک، می بایست سوره البقره در ردیف اول، سوره الشوری با ۲۲۷ آیه، که الان در ردیف ۴۲ قرار دارد، در ردیف دوم بعد از سوره البقره، و سوره اعراف با ۲۰۶ آیه

²⁸² ر.ک. به فصل «کتابت قرآن» در جلد دوم این کتاب.

به جای ردیف هفتم فعلی در ردیف سوم قرار می گرفتند. بعد از آن به ترتیب آل عمران با ۲۰۰ آیه، النساء با ۱۷۶، انعام با ۱۶۵ و بقیه به ترتیب بیشترین تعداد آیات، از ردیف چهارم و به بعد را اشغال می کردند.

این بی نظمی در مورد سوره هائی که از کمترین تعداد آیات تشکیل شده اند نیز، صادق است. در صورت رعایت تقدم سوره پرشمار به کم شمار، می بایست سوره النصر با سه آیه، نه در ردیف پنج از پایان، بلکه به عنوان آخرین سوره در پایان قرآن قرار می گرفت. در نسخه موجود قرآن، سوره پایانی الناس است که از شش آیه تشکیل شده و این از تعداد آیات بسیاری از سوره های پایانی قبل از خود بیشتر است.

به خاطر این نقص منطقی و درهم ریختگی سوره ها و آیه هاست که امروزه پس از قریب به ۱۴۰۰ سال از جمع آوری و کتابت قرآن، هنوز هم:

- هم تقدم زمانی سوره ها نامعلوم و مورد بحث است،
- هم تعیین تقدم و تأخر آیات سوره های بزرگ، دشوار و در بسیاری موارد ناممکن است.
- هم آیات مربوط به هر موضوع به طور تکه و پاره در این جا و آن جای قرآن پخش شده اند و مراجعه برای یک موضوع معین، مطالعه تمام قرآن را لازم می شمارد.
- این نقیصه ها به سهم خود، خواندن، فهمیدن و درک و فهم قرآن را به حد کافی محدود می کنند و مشکلی بر مشکلات می افزایند.

ترتیب بر اساس "مصحف" یا "نزول"

۱- ناهمسانی ترتیب های ناظر بر "مصحف" و "نزول"

«ترتیب مصحف سوره ها» (یعنی تقدم و تأخر سوره ها در قرآن موجود) با ترتیب سوره ها بر اساس «زمان نزول»^{۲۸۳} دو تاست و کاملاً با همدیگر فرق می کنند. یک مقایسه ساده نشان می دهد که "سوره العلق که گفته می شود سوره اول "نازل" شده بوده، در قرآن موجود (به ترتیب مصحف) در ردیف ۹۶ و سوره العلق که گفته می شود به ترتیب نزول در ردیف ۹۶ قرار داشته، در قرآن موجود (به ترتیب مصحف) در ردیف ۱۳ قرار دارد. سوره های العلق، القلم، المزل و المدثر که گفته می شود به ترتیب نزول، سوره های اول تا چهارم بودند، در قرآن موجود (به ترتیب مصحف) در ردیف های ۹۶، ۶۸، ۷۳ و ۷۴ قرار دارند. همین طور سوره آغازین قرآن موجود (به ترتیب مصحف)، سوره الفاتحه، گویا پنجمین سوره "نازل" شده و سوره دوم به ترتیب مصحف، هشتاد و هفتمین سوره "نازل" شده بوده است"^{۲۸۴}.

سوره النصر پنجمین سوره پایانی بر اساس ترتیب نزول است، در حالی که سوره پایانی موجود (به ترتیب مصحف)، الناس، از نظر ترتیب نزول سوره بیست و یکم است.

تقدم و تأخر بسیاری از سوره ها و آیات قرآن، از جمله از چیستاهای دینی است. کسی به درستی تقدم بسیاری از سوره ها و حتی «مکی» یا «مدنی» بودن جمعی از سوره ها را نمی داند. با این حساب، دانستن تقدم و تأخر آیه ها به خصوص آیه های سوره های بزرگ، ناممکن است. در بسیاری از این موارد، حتی نظریات رسمی شریعت سازان یکسان نیستند و هر کسی «از ظن خود» حرفی می زند. جالب آن که

²⁸³ زمان نزول نیز تقریبی، مبتنی بر حدس و گمان و اساساً مورد بحث است.

²⁸⁴ İlhan Arsel, Koran, in Eleştirisi, Cilt 1, s. 17.

در پشت سر هر کدام از این نظریات و حدسیات گوناگون، جمعی صاحب نظر شناخته شده اسلامی قرار دارند، و برای هر کدام از این نظریات نیز احادیث و "شان نزول" هائی مختلف نقل می شود.

۲- قرائت به "ترتیب نزولی" رفع مشکل نمی کند

در مقابل محدودیت های ناشی از «نظم بی نظم» موجود در قرآن، عده ای از متشرعین، که از انکار نقص و تعارض در قرآن طرفی نبسته اند، به فکر افتاده اند تا گناه این «نظم بی نظم» قرآن را به گردن ترتیب مصحف (یا تقدم و تأخری که در قرآن موجود رعایت شده) بیندازند. با این ادعا، «فقدان نظم منطقی موجود در قرآن» ناشی از شکل فهرست بندی قرآن در شکل موجود، یا به بیان دیگر، ناشی از ترتیبی است که در زمان عثمان و خلفا برای مصحف کردن قرآن انتخاب شده است^{۲۸۵}. طبق این نظر، گویا:

- " موضوعات قرآن اساساً بر اساس نظامی منطقی "نازل" شده و اگر قرآن را بر اساس "ترتیب نزولی" تنظیم کنیم، در آن صورت، مشکل پس و پیش بودن بخش های مختلف قصه ها و درهم و برهم بودن موضوعات مورد بحث از بین می روند. بسیاری از تعارضات موجود از نظر درک و فهم سیر حوادث نیز حل و فصل می شوند".

این البته برای خوانندگان قرآن خبر بسیار خوبی است، چرا که کافی است که به جای آن که قرآن را مانند هر کتاب دیگر از اول تا به آخر مطالعه کنی، می توانی بر اساس "ترتیب نزول سوره ها" مرور کنی و با این کار نه چندان دشوار، از این همه مشکلات فهم و درک محتوی قرآن خلاص شوی.
با این وجود باید اطلاع داد که:

²⁸⁵ İlhan Arsel, Kuran,ın Eleştirisi, Cilt 2, s. 259.

- مراجعه به قرآن و پیگیری موضوعات مختلف در سوره ها، به "ترتیب نزول"، این ادعا را تأیید نمی کنند. به بیان دیگر، بر خلاف این ادعا، با خواندن بسیاری از قصص و پیگیری بسیاری از موضوعات قرآن بر اساس "ترتیب نزولی" هم، مشکلات و مسایل درک و فهم قرآن از بین نمی روند.

از نظر تئوریک نیز صحت این ادعا مورد تردید است. چرا که اگر این همه متشرعین گوناگون که در طول تاریخی به درازی ۱۴۰۰ سال، برای دفاع از حقانیت ادعاهای دینی- دنیوی خود به هر راهی سر زده اند، می دانستند که بخش قابل توجهی از مشکلات جاری در قرآن از شکل کتابت آن ناشی می شود، حتماً راهی برای تغییر ترتیب کتابتی آن می یافتند. در این صورت، یا قرآن را بر اساس "ترتیب نزولی" تنظیم می کردند، یا "ترتیب نزول" سوره ها را در آغاز قرآن درج می کردند و از مراجعین به قرآن می خواستند که برای درک و فهم درست قرآن، آن را نه بر اساس «کتابت و مصحف موجود»، بلکه به "ترتیب نزول" سوره ها مطالعه کنند. این ها اما، این کار به این مهمی و در عین حال به این آسانی را انجام نداده اند و این دور ایستادن به این تردید دامن می زند که نکند:

- پیش گرفتن "ترتیب نزولی"، مسایل و مشکلات قرائت قرآن به شرح فوق را حل و فصل نمی کند و این همه، طبق معمول، ادعائی بیش نیست.

محقق ترک پروفیسور الهان آرسل^{۲۸۶} این ادعا را در مواردی چند مورد تحقیق قرار داده و آیات مربوط به موضوعات مختلف و از آن جمله، محتوی آیات و نظم منطقی در آیات مربوط به قصه یونس به "ترتیب مصحف" و به "ترتیب نزولی" را با همدیگر مقایسه کرده است. آیات مربوط به قصه یونس با این ترتیب ها، به شرح زیر قابل جمع بندی اند:

²⁸⁶ İlhan Arsel, Kuran,ın Eleştirisi, Cilt 2, s. 271-279.

سوره های مربوط به یونس به "ترتیب مصحف"

نام سوره	ترتیب مصحف	آیه و آیات
۱- النساء	۴	۱۶۳
۲- یونس	۱۰	۹۸
۳- الانبیاء	۲۱	۸۷-۸۸
۴- الصافات	۳۷	۱۳۹-۱۴۸
۵- القلم	۶۸	۴۸-۵۰

داستان یونس بر مبنای ترتیب فوق، یا ترتیب در وضع موجود قرآن به این شرح است:

- "ما به تو وحی فرستادیم، همچنان که به ... یونس ..."^{۲۸۷} (سوره النساء، آیه ۱۶۳). "چرا اهل هیچ شهری ایمان نیاورد که ایمانش به آنان سود دهد، مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند، عذاب رسواگر را در زندگانی دنیوی از آنان بر داشتیم و آنان را تا زمانی بهره ور ساختیم"^{۲۸۸} (سوره یونس، آیه ۹۸). "و نوالنون (صاحب ماهی یا یونس) را (یاد کن) که خشمگینانه به راه خود رفت، و گمان کرد هرگز بر او تنگ نمی گیریم؛ آنگاه در دل تاریکی ندا در داد که خدائی جز تو نیست، پاکا که تویی، من از ستمکاران بودم". "آنگاه دعای او را اجابت کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و بدینسان مؤمنان را می رهانیم"^{۲۸۹} (سوره انبیاء، آیات ۸۷ و ۸۸). "و بیگمان یونس از پیامبران بود. آنگاه که به سوی کشتی گرانبار گریخت. پس با آنان قرعه انداخت و او بیرون انداختنی شد. و ماهی او را فرو بلعید و او در خور ملامت بود. و اگر از تسبیح کنان نبود، در شکم تا روزی که مردمان برانگیخته شوند به سر می برد. آنگاه او را به کرانه بایر افکندیم و او بیمار بود. و بر سر او گیاهی از کدو رویاندیم. و سرانجام او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادیم. آنگاه ایمان

²⁸⁷ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

²⁸⁸ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

²⁸⁹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

آوردند و ما نیز آنان را تا زمانی برخوردار ساختیم" ^{۲۹۰} (سوره الصافات، آیات ۱۴۸-۱۳۹). "پس در انتظار حکم پروردگارت شکیبایی کن و همانند همدم ماهی (یونس) مباش که ندا در داد و خشم فروخورده بود. اگر نعمتی از جانب پروردگارش او را دستگیری نمی کرد، به کناره ای افکنده شده بود و قابل ملامت بود. سپس پروردگارش او را برگزید و از شایستگیانش قرار داد" ^{۲۹۱} (سوره القلم، آیات ۴۸-۵۰).

این داستان یونس به "ترتیب مصحف" یا در شکل موجود قرآن است. می بینیم که در این جا نیز همان مشکلات و مسایلی که در مورد قصه آدم و حوا گفته شد، صحت پیدا می کنند. یعنی:

- هم داستان فاقد «نظم منطقی» است، از میانه قصه شروع شده و بریده بریده و بدون نظم مکانی، زمانی یا موضوعی ادامه پیدا کرده و می کند و،

- هم هر توضیحی پرسش های بی پاسخ جدیدی را به همراه می آورد. همچنین توضیحات بعدی، اکثراً جز «تکرار مکرر» همان موضوعات اولیه نیستند و ادامه قصه در سوره ها و آیات مختلف بعدی، اطلاعات جدیدی نمی دهد و درک و فهم قصه را آسان و روشن تر نمی سازد.

حالا این قصه را بر اساس "ترتیب نزولی" سوره ها تنظیم می کنیم و با مقایسه این دو متن سعی می کنیم بفهمیم که آیا مسایلی که در قصه حاصل از "ترتیب مصحف" وجود داشته، در قصه ای که بر اساس "ترتیب نزولی" تهیه می شود، رفع و رجوع می شوند، یا باقی می مانند. به بیان دیگر، آیا این مسایل و مشکلات ناشی از فقدان نظم منطقی، محصول شکل تقدم و تأخر به "ترتیب مصحف" یا کتابت

²⁹⁰ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

²⁹¹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

موجود است، یا نه، این مسایل با رعایت "ترتیب نزولی" نیز باقی می مانند.

سوره های مربوط به قصه یونس به ترتیب نزولی		
نام سوره	ترتیب نزول	آیه و آیات
۱- القلم	۲	۴۸-۵۰
۲- یونس	۵۱	۹۸
۳- الصافات	۵۶	۱۴۷
۴- انبیاء	۷۳	۸۷-۸۸
۵- النساء	۷۶	۱۶۳

"پس در انتظار حکم پروردگارت شکیبایی کن و همانند همدم ماهی (یونس) مباش که ندا در داد و خشم فروخورده بود. اگر نعمتی از جانب پروردگارش او را دستگیری نمی کرد، به کناره ای افکنده شده بود و قابل ملامت بود. سپس پروردگارش او را برگزید و از شایستگی قرار داد"^{۲۹۲} (سوره القلم، آیات ۴۸-۵۰). "چرا اهل هیچ شهری ایمان نیاورد که ایمانش به آنان سود دهد، مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند، عذاب رسواگر را در زندگانی دنیوی از آنان برداشتیم و آنان را تا زمانی بهره ور ساختیم"^{۲۹۳} (سوره یونس، آیه ۹۸). "و بیگمان یونس از پیامبران بود. آنگاه که به سوی کشتی گرانبار گریخت. پس با آنان قرعه انداخت و او بیرون انداختنی شد. و ماهی او را فرو بلعید و او در خور ملامت بود. و اگر از تسبیح کنان نبود، در شکم تا روزی که مردمان برانگیخته شوند به سر می برد. آنگاه او را به کرانه بایر افکندیم و او بیمار بود. و بر سر او گیاهی از کدو رویاندیم. و سرانجام او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادیم. آنگاه ایمان آوردند و ما نیز آنان را تا زمانی

²⁹² قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

²⁹³ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

برخوردار ساختیم"^{۲۹۴} (سوره الصافات، آیات ۱۴۸-۱۳۹). "و نوالنون (صاحب ماهی یایونس) را (یاد کن) که خشمگینانه به راه خود رفت، و گمان کرد هرگز بر او تنگ نمی‌گیریم؛ آنگاه در دل تاریکی ندا در داد که خدائی جز تو نیست، پاکا که تویی، من از ستمکاران بودم". "آنگاه دعای او را اجابت کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و بدینسان مؤمنان را می‌رهانیم"^{۲۹۵} (سوره انبیاء، آیات ۸۷ و ۸۸). "ما به تو وحی فرستادیم، همچنان که به ... یونس ..."^{۲۹۶} (سوره النساء، آیه ۱۶۳).

این داستان یونس به "ترتیب نزولی" است. می‌بینیم که این جا نیز مشکلات و مسایلی که در داستان یونس به "ترتیب مصحف" وجود داشت، به شرحی که در مورد قصه آدم و حوا نیز گفته آمد، همچنان باقی است:

- هم داستان فاقد «نظم منطقی» است، از میانه قصه شروع می‌شود و بریده بریده و بدون نظم مکانی، زمانی یا موضوعی، ادامه پیدا می‌کند و،

- هم هر توضیحی، پرسش‌های بی‌پاسخ جدیدی را به همراه می‌آورد. همچنین، توضیحات بعدی، اکثراً جز «تکرار مکرر» همان موضوعات اولیه نیستند و ادامه قصه در سوره‌ها و آیات بعدی، درک و فهم قصه را آسان‌تر نمی‌کند^{۲۹۷}.

مقایسه این قصه در دو شکل فراهم آمده به "ترتیب مصحف" و "ترتیب نزولی" قرآن، نشان می‌دهد که:

²⁹⁴ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

²⁹⁵ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

²⁹⁶ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

²⁹⁷ İlhan Arsel, Kuran,ın Eleştirisi, Cilt 2, s. 277-279.

- تنظیم قصه بر اساس "ترتیب نزولی"، هیچ یک از مسایل و مشکلات ناشی از نظم منطقی را رفع نکرده و نمی کند. این همان نتیجه ای است که قبلاً نیز در رابطه با موضوعات دیگر به دست آمده بود و بار دیگر نشان می دهد که:

- به خلاف ادعاهای موجود، اگر قرآن بر اساس "ترتیب نزولی" هم تنظیم میشد، باز هم مسایل و مشکلات موجود در قرآن باقی می ماندند و به تسهیل درک و فهم موضوعات مطرح شده در قرآن یاری نمی رساند.

فصل بندی بدون فصل

دیدیم که قرآن به ۱۱۴-۱۱۲ فصل، یا به زبان عربی «سوره»، تقسیم می‌شود. عناوین سوره‌ها نه بر اساس موضوع، بلکه اکثراً در ارتباط با یکی از موضوعات سوره‌ها انتخاب شده‌اند. این عناوین فقط از وجود یکی از موضوعات مورد بحث در سوره خبر می‌دهند و در نتیجه، بسیاری از موضوعات مورد بحث دیگر در سوره‌ها را به ناپیدائی دچار می‌کنند.

برای نمونه، عنوان سوره «آل عمران» به این خاطر انتخاب شده که در این سوره در مورد فرزندان «عمران» بحث می‌شود، اما این سوره با بحث در مورد موضوعات دیگر آغاز می‌شود و نام «آل عمران» که به عنوان سر فصل سوره انتخاب شده، برای اولین بار در آیه ۳۳ این سوره قید می‌شود. فقط ۴ آیه ۳۳ تا ۳۵ به عمران و زنش می‌پردازند. غیر از این‌ها، ۱۵ آیه نیز، از آیه ۳۶ تا آیه ۶۰، از مریم مادر عیسی و زایمان عیسی سخن به میان می‌آورند. می‌بینیم که این همه حتی به اندازه یک دهم تعداد آیه‌های سوره آل عمران، که از ۲۰۰ آیه تشکیل شده، نیست. بقیه، یعنی نه دهم آیات این سوره به رابطه با یهودیان و اهل کتاب، وضع مسلمانان، جنگ اُحُد، جنگ بدر و دیگر موضوعاتی که ربطی به عمران و فرزندانش ندارند اختصاص می‌یابد»^{۲۹۸}.

با این وجود، عنوان این سوره در مقام مقایسه با سوره‌هایی که هیچ‌گفت و گوی مهمی در مورد نام و عنوانش ندارند، قابل توجیه می‌نماید. برای مثال، سوره نور از ۶۴ آیه تشکیل شده و فقط در یکی از این آیات، یکبار کلمه «نور» به کار رفته است. با این وجود، این سوره به خاطر آن یک مورد، «نور» نامیده می‌شود^{۲۹۹}.

²⁹⁸ İlhan Arsel, Koran,ın Eleştirisi, Cilt 2, s. 176-177.

²⁹⁹ İlhan Arsel, Koran,ın Eleştirisi, Cilt 2, s. 177.

چنین است که در قرآن و به خصوص در مورد آیه های بزرگ، نام و عنوان سوره، بیانگر محتوی آن نیست و حتی محتوی عمده و اساسی آن را هم بیان نمی کند. این مشکل، امکان مراجعه به قرآن و یافتن آیات مربوط به موضوع معین را، نه فقط مشکل، بلکه ناممکن می کند و اساساً جلو کارکرد فصل بندی کتاب را می گیرد و علت وجودی آن را زیر سؤال می برد.

با این تفصیل، برخی از عناوین سوره ها چنین اند: "النساء به معنی زن، البقره به معنی ماده گاو، النحل به معنی زنبور عسل، النمل به معنی مورچه، الکهف به معنی غار، الحديد به معنی آهن، الدخان به معنی دود و التین به معنی انجیر.

این نامها می توانستند در یک «نظم منطقی نگارشی»، به معنی وجود ۱۱۴-۱۱۲ موضوع و بحث نسبتاً مستقل در فصل های مربوط به آن موضوعات باشند. در نتیجه، در صورت وجود یک چنین نظامی منطقی، اگر به طور مثال خواننده ای خواهان دانستن نظر قرآن در موضوع زنان می شد، با مراجعه به فصل "النساء" یا زن، به موضوعات مربوط به زنان دسترسی پیدا می کرد، یا در مورد مواد غذایی، به سوره التین (انجیر) مراجعه می کرد و مانند این ها.

اما این انتظار و پیشداوری، با واقعیت قرآن نمی خواند. در فصل "النساء"، البته آیاتی وجود دارند که مستقیماً به موضوع «زن» مربوط اند، اما در همان حال، آیاتی هم وجود دارند که به موضوع «زن» ارتباطی ندارند و با سرفصل "النساء" یا «زن» هیچ وجه مشترکی ندارند و علت وجودی شان در زیر این سرفصل هم معلوم نیست.

پراکندگی موضوعات

اما مشکل فقط این نیست که برای نمونه، سوره "النساء" حاوی موضوعات دیگری هم هست. مشکل مهم تر آن است که مثلاً در مورد «زن» آیات عدیده ای هم وجود دارند که زیر سرفصل های سوره های دیگر آمده اند و بخشی از این سوره ها و سرفصل ها که آیاتی در مورد زن دارند، نامی دارند که هیچ همخوانی و اشاره به موضوع «زن» ندارند. از آن جمله اند:

- سوره البقره (ماده گاو)،
- سوره النور،
- سوره النحل (زنبور)،
- سوره آل عمران،
- سوره الانعام،
- سوره الاعراف (بلندیها)،
- سوره احزاب،
- سوره طه یا طاها،
- سوره یس یا یاسین،
- سوره التوبه،
- سوره الرعد،
- سوره الحجر (سنگ)،
- سوره الانبیاء،
- سوره فرقان (جداگر)،
- سوره شورا،
- سوره الروم،
- سوره فاطر (پدید آورنده)،
- سوره الصافات (صف زدگان)،
- سوره زمر (گروه ها)،
- سوره المؤمنون،
- سوره الزخرف (زر و زیور)،

سوره ممتحنه، (آزموده مؤنث)

سوره معارج (درجات) و،

سوره های دیگر. در نتیجه:

- کسی که می خواهد مروری بر آیات مربوط به «زن»، یا هر موضوع دیگر داشته باشد، باید از اول تا به آخر قرآن را بخواند و آیات مربوط به مثلاً موضوع «زن» را از حدود ۱۱۴ فصل و از میان نزدیک به ۶۲۰۰ آیه برداشت کند و تازه پس از این همه کار، به این جا برسد که این «مجموعه بی شکل» را نمی توان به ترتیبی (نه به ترتیب موضوعی، زمانی یا مکانی) طبقه بندی کرد.

این چگونگی نیز باعث می شود که فرضاً اگر کسی تمام قرآن را به دنبال مثلاً موضوعات مربوط به «زنان» مرور بکند و تمام آیه ها را از میان چندین هزار سوره و آیه بیرون بکشد، باز هم آن چه به دست می آورد، جز تعدادی آیه و جمله بدون «ارتباط منطقی» با همدیگر نیستند. در این جا نه زمان و مکان مشخص است و نه تقدم و تاخر، یا آغاز و فرجام موضوعات معلوم اند.

محتوی ناهمگون آیات

۱- منطق محتوایی در آیات مختلف

مسائلی که درک و فهم کلیات قرآن و سوره ها را تحت تأثیر قرار می دهند، در مورد درک و فهم آیات نیز صادق اند. در اینجا مشکل فقط این نیست که این یا آن آیه در جای خود قرار ندارد، یا بر اساس «نظمی منطقی و موضوعی» طبقه بندی نشده است.

مشکل دیگر هم این است که بسیاری از آیات قرآن، یا به تنهایی دارای معنی نیستند، یا به جای یک موضوع معین، موضوعات چندگانه و مختلفی را در بر می گیرند. گاهی حتی آیه هائی در مورد موضوعاتی

بحث می کنند که هیچ ربط و هیچ گونه ارتباطی با همدیگر ندارند. وجود این گونه آیات؛ حتی اگر نظمی منطقی بر کلیات کتاب حاکم می بود، امکان طبقه بندی آیه در این یا آن موضوع و سوره را ناممکن می کرد.

این آیات، یکی و دوتا نیستند و از نظر ترکیب موضوعات مربوط و نامربوط، به اشکال مختلفی قابل تقسیم اند:

۱- برخی در مورد دو یا چند موضوع مستقل بحث می کنند، اما این بحث ها با همدیگر مخلوط نمی شوند.

۲- برخی دیگر، دو یا چند موضوع را، بدون هرگونه تفکیک و فاصله، مورد گفت و گو قرار می دهند و از این موضوع به آن و از آن به این می پردازند.

۳- برخی از این موضوعات در هم بافته شده، از جهتی با همدیگر هم خانواده اند، ولی برخی دیگر، موضوعاتی کاملاً مختلف و مطالب بدون هرگونه ارتباطی را در همدیگر ادغام می کنند.

آیه ۳ سوره المائده که گفته می شود آیه پایانی قرآن و "وحی" پایانی به پیامبر است، این اختلاط دو موضوع کاملاً نامربوط و از نظر ارزش، محتوی کاملاً ناهمطرازی را به نمایش می گذارد. در این آیه بسیار مهم پایانی، بحث در مورد دو موضوع کاملاً نامربوط در هم ادغام شده و از این به آن و از آن به این می پردازد. در ابتدای آیه، بحث نه چندان مهم «حرام و حلال بودن گوشت خوک و حیوان مرده» مطرح می شود و تا موضوع تمام نشده، همانند آن که «سخنرانی» ناگهان موضوع مهمی را به خاطر آورده، موضوع بس تعیین کننده "تکمیل دین و قرآن" را (آن هم در جملاتی بسیار کوتاه) مطرح می کند و تا این بحث به پایان نرسیده، متعاقباً به موضوع قبلی برگشته و ادامه بحث موضوع نه چندان مهم اولیه ادامه می دهد:

المردار و خون و گوشت خوک و آنچه نامی جز نام خدا به هنگام ذبحش برده باشند و خفه شده، و به ضرب مرده، و از بلندی افتاده، و شاخ خورده و آنچه درندگان از آن خورده باشند، مگر آنچه حلال کنید و همچنین آنچه برای بتان ذبح شده است و نیز تعیین قسمت به کمک ازلام همه به شما حرام شده است. اینها نافرمانی است؛ امروز کافران

از دین شما نومید شده اند، لذا از آن نترسید و از من بترسید؛ امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و دین اسلام را بر شما پسندیدم؛ اما هر کس در محمصه ای ناچار شود و مایل به گناه نباشد خداوند آمرزگار و مهربان است»³⁰⁰ (سوره المائدة، آیه ۳).

این اختلاط موضوعات مربوط و نامربوط در آیات و بی نظمی حاصل از آن، به سختی درک و فهم موضوعات قرآن می افزاید و گاهی نیز به خاطر نامعلوم بودن پیوند قسمت های مختلف آیه با موضوعات قبلی، سوالاتی بدون جواب ایجاد می کند.

نگاهی به این آیه، همچنین نشان می دهد که موضوع بسیار مهم "تکمیل پایانی دین و قرآن" جای بسیار کمی را در آیه اشغال کرده، در حالی که موضوع بسیار کم اهمیت تر "حلال و حرام بودن گوشت خوک و حیوان مرده" جای بسیار بیشتری را به خود اختصاص داده و در مرکز بحث قرار گرفته است. این نیز مخالف «منطق فکری و نظم نگارش رایج» است، چرا که:

- اولاً به طور طبیعی باید موضوعات با اهمیت تر جای نگارش و بحث بیش تری را بگیرند و موضوع اصلی و مرکزی را تشکیل دهند و،

- ثانیاً «آمادگی منطقی» مغزی- تربیتی خواننده نیز ایجاد می کند که در مورد موضوعات مهم تر تأکید و توضیح بیشتری بخواند و بشنود. شکل نگارش این گونه آیه های قرآن، به نظم عقلانی و آمادگی منطقی مورد بحث پاسخ نمی دهد و مشکلی دیگر بر مشکلات درک و فهم «بدون واسطه قرآن» می افزاید.

۲- مشکل زمان بندی آیات

³⁰⁰ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی

عدم نظم زمانبندی شده^{۳۰۱} اما، فقط شامل سوره ها و موضوعات یکسان نیست، بلکه در شکل نگارش آیات هم رعایت نمی شوند. برخی از آیات حاوی اتفاقاتی اند که در زمان های مختلف پیش آمده یا از پیامبرانی نام می برد که در زمان های مختلف زندگی کرده اند. این آیات حتی این تقدم و تأخر زمانی را رعایت نمی کنند و خواننده را در برابر سؤالاتی تکراری مبنی بر این که "این اول است یا آن" قرار می دهند. برای نمونه "آیات ۸۶-۸۳ سوره انعام چنین اند: **"و این حجت ماست که به ابراهیم در برابر قومش بخشیدیم، ..."** **"و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم، همه را هدایت کردیم؛ و نیز پیش از آن نوح را راه نمودیم و داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را که از زاد و رود او بودند؛ و بدین سان نیکوکاران را جزا می دهیم"** **"و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را، که همگی از شایستگان بودند"** **"و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را و همگی شان را بر جهانیان برتری دادیم"**^{۳۰۲} (سوره انعام، آیات ۸۵-۸۳).

به بیان محقق ترک پروفیسور الهان آرسل، "در اینجا اسم پسر اول ابراهیم، اسماعیل، در آخر آمده و به جای آن اسم پسر دومش اسحاق در اول آمده و عیسی که آخرین پیامبران است، بعد از زکریا و یحیی و همراه با آنان در کنار الیاس نام برده شده است. در یک نظم زمانی منطقی، می بایست نوح در اول و عیسی در آخر قرار می گرفتند و بقیه نیز بر اساس تقدم زمانی در بین آن دو نام برده می شدند"^{۳۰۳}. این چگونگی را می توان در آیات دیگر هم دید: **"ما به تو وحی فرستادیم، همچنان که به نوح و پیامبران بعد از او، و نیز به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و**

³⁰¹ chronological

³⁰² قرآن، ترجم بهالدین خرمشاهی

³⁰³ İlhan Arsel, Koran, in eleştirisi, c. ۲, s. ۱۴۰-۱۴۱

سليمان نيز وحى فرستاديم؛ و به داود زيور داديم." ³⁰⁴ (سورة النساء، آية ١٤٣).

³⁰⁴ قرآن، ترجمه بهالدين خرمشاهی

کلمات معلوم و معانی نامعلوم

مشکل اما در این حد نیز محدود نمی‌شود، بلکه نامعین بودن نشانه‌های زبانی، خود مشکل بزرگ دیگری است. در این جا مقصود از نشانه این نیست که مثلاً قرآن به زبان عربی است و آدم برای خواندن و فهمیدن آن باید به زبان و قواعد زبانی عربی وارد باشد.³⁰⁵ مشکل، همچنین در این است که بسیاری از کلمات و لغات قرآن، در چند معنی مختلف و متفاوت به کار برده شده‌اند و این چگونگی، درک و فهم آیات را حتی برای مردم عربی زبان نیز مشکل کرده است. سبب این گزینش معلوم نیست، ولی بنا به مبانی قرآنی، این کار به سبب کم آوردن کلمات مناسب از سوی خدای خالق جهان، یا از سوی فرشته‌اش نمی‌توانست باشد. پس باید دلیل قانع‌کننده دیگری جست.

هر چه هست، در قرآن کلمات و لغاتی مشخص و معین برای نامیدن چندین موضوع و مورد مختلف به کار رفته‌اند. این در حالی است که برای نامیدن هر کدام از این موضوعات، کلمات و لغات مناسب و ویژه‌ای در زبان عربی وجود داشته و دارد، و می‌شد با به کار بردن «کلمات مناسب»، از مشکلی که «یک کلمه و تعداد فراوانی معنی و منظور مختلف» ایجاد کرده، جلوگیری کرد. برای نمونه، بنا به تحقیق محقق ترک توران دورسون در «انسکلوپدی قرآن»³⁰⁶:

۱- کلمه «کتاب» در ۷۵ مورد، ۳۶ سوره و ۷۵ آیه، برای نامیدن قرآن یا قسمتی از قرآن به کار رفته است. از آن جمله‌اند: سوره‌های بقره (آیه‌های ۲، ۵۳، ۸۹، ۱۲۹، ۱۵۱ و ۱۷۴)، مریم (آیه‌های ۱۶، ۴۱، ۵۱، ۵۴ و ۵۶)، النساء (آیه‌های ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۲۷ و ۱۳۶) مورد اول از سه مورد و آیه ۱۴۰)، آل عمران (آیه‌های ۳ و ۷ دوبار و آیه‌های ۱۱۹ و ۱۶۴)، انعام (آیه‌های ۹۲، ۱۱۴ مورد اول از دو

³⁰⁵ در جلد‌های بعدی نشان داده خواهد شد که بر اساس آیات قرآن، "نزول" قرآن به زبان عربی ناشی از تصمیم خدا مبنی بر آن است که "مردم موظف به تبعیت از کتاب دینی به زبان‌های دیگر نیستند".

³⁰⁶ Turan Dursun, Kuran Ansiklopedisi, Cilt 7, s. 127-130.

مورد و آیه ۱۵۵)، زمر (آیه های ۱، ۲، ۲۳ و آیه ۴۱)، المائده (آیه ۱۵ مورد سوم از سه مورد، آیه ۴۸ مورد اول از دو مورد و آیه ۱۱۰) و بقیه.

۲- در همین حال، همین کلمه «کتاب» در ۶۷ مورد برای نامیدن تورات و انجیل مورد استفاده قرار گرفته است که از آن جمله اند: سوره بقره (آیات ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۹ و ۱۷۴)، سوره آل عمران (آیات ۱۹، ۲۰، ۶۴، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۵، ۸۱، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۹۹)، سوره النساء (آیه های ۴۷، ۵۴، ۱۲۳ و ۱۳۱ موردهای دوم و سوم از سه مورد، آیه ۱۵۳ مورد اول و آیه ۱۵۹)، سوره المائده (آیه های ۵ دو مورد، ۱۵ مورد های اول و دوم از سه مورد، ۱۹، ۵۷، ۵۹، ۶۵ و ۷۷)، الانعام (آیه های ۲۰، ۸۹، ۱۱۴ مورد دوم از دو مورد و ۱۵۶)، سوره عنکبوت (۴۶، ۴۷ مورد دوم از دو مورد) و سایرین.

۳- این کلمه همچنین در ۳۶ مورد به معنی فقط تورات به کار رفته که از آن جمله اند: سوره البقره (آیات ۴۴، ۷۸، ۷۹، ۸۵، ۸۷، ۱۰۱ دو مورد، ۱۷۶ دو مورد)، سوره آل عمران (آیه های ۲۳ دو مورد، ۷۲ و ۷۸ سه مورد)، سوره احکاف (آیه ۱۲ مورد اول از دو مورد) و سایرین.

۴- همچنین کلمه «کتاب» در سوره های الانبیاء (آیه ۱۷۱)، آل عمران (آیه ۷۹ دو بار) و سایرین به معنی فقط انجیل به کار گرفته شده و،
۵- در ده آیه، از جمله آیه های ۱۷۷، ۲۱۳ و ۲۸۵ سوره البقره و آیه های ۲۵ و ۲۶ سوره الحديد به معنای مجموع کتاب های دینی تورات، انجیل و قرآن است.

۶- باز کلمه «کتاب» در ۱۳ آیه و ۱۲ سوره قرآن به معنی هر کتاب یا کتاب های دینی مورد نظر قرآن به کار می رود. از آن جمله اند: آیه های ۷ و ۱۵۷ سوره الانعام، مورد دوم آیه ۱۵۳ سوره النساء، آیه

۹۳ سوره الاسراء، آیه ۸ سوره حج، آیه ۴۹ سوره قصاص، آیه ۲۰ سوره لقمان، آیه ۲۱ سوره احکاف، آیه ۳۷ سوره القلم، آیه ۴۰ سوره فاطر و سایرین.

۷- همین کلمه، در همان حال، در آیه ۱۰۴ سوره انبیا، آیه ۴۸ سوره عنکبوت و به نسبتی در آیه ۵۲ سوره شورا به معنی هر کتاب ممکن و در آیه های مختلف ۱۹ سوره به معنی لوح المحفوظ یا قسمتی و حکمی از این لوح یا کتاب (کتاب منشاء کتاب های دینی مورد نظر قرآن) به کار می رود. از آن جمله اند: سوره انعام (آیه های ۳۸ و ۵۹)، سوره رعد (آیه های ۳۸ و ۳۹)، سوره هود (آیه ۶)، سوره هجر (آیه ۴)، سوره اسراء (آیه ۵۸)، سوره طها (آیه ۵۲)، سوره مؤمنون (آیه ۶۲)، سوره نمل (سوره ۷۵)، سوره رم (آیه ۵۶) و سایرین. با این وجود، هنوز کلمه «کتاب» در معانی دیگر هم به کار رفته که از آن جمله اند:

۹- در آیات و سوره های فراوان به معنی کتاب یا دفتر اعمال، جایی که ثواب و گناه در آن نگارش می یابد آمده است: سوره اسراء (آیات ۱۳، ۱۴ و ۷۱ در دومورد)، سوره الجاثیه (آیات ۲۸ و ۲۹) و سوره انشقاق (آیات ۷ و ۱۰).

۱۰- در سوره ها و آیه های دیگر نیز به معنی نوشته، نوشته شدن یا حکمی نوشتاری به کار می رود (سوره آل عمران آیه ۴۸، سوره النساء آیه ۴۴، سوره النبأ آیه ۲۹ و سایر).
همچنین:

۱۱- در آیه ۹ سوره مطفین به معنی دفتر اعمال بد (سجین)،
۱۲- در آیه ۲۰ سوره مطفین نیز به معنی دفتر اعمال نیک (علیین)،
۱۳- در آیه ۲۴ سوره النساء به معنی فرض یا موضوع مشخص،
۱۴- در آیه ۱۰۳ سوره النساء به معنی نماز (به فرض نماز نوشتاری)،

۱۵- در آیه ۳ سوره البینة به معنی سند،

۱۶- در آیه ۲۳۵ سوره البقره به معنی عده زنانه و

۱۷- در آیه ۳۳ سوره نور به معنی آزادی برده یا وظیفه داری برده
آزادشده در مقابل برده دار به کار رفته است.

همچنین مفسر معروف اسلامی ابن جوزی^{۳۰۷}، فهرستی طولانی از معانی مختلف کلمه «نور» و تفسیرها و استنباط های مختلف مفسرین اسلامی از این یک کلمه در قرآن فراهم آورده است:

- ۱- نور به معنی اسلام (آیه ۳۲ سوره توبه و آیه ۸ سوره الصف)،
- ۲- نور به معنی ایمان (آیه ۲۵۷ سوره البقره)،
- ۳- نور به معنی هدایت (آیه ۳۵ سوره نور)،
- ۴- نور به معنی پیامبر (آیه ۶۵ سوره مائده)،
- ۵- نور به معنی روشنائی روز (آیه ۱ سوره انعام)،
- ۶- نور به معنی روشنائی ماه (آیه ۶۱ سوره فرقان)
- ۷- نور به معنی روشنائی ایمان آورندگان بر روی پل صراط (آیه ۱۲ سوره الحديد)،
- ۸- نور به معنی توضیح (آیه ۴۴ سوره مائده)،
- ۹- نور به معنی قرآن (آیه ۱۵۷ الاعراف)،
- ۱۰- نور به معنی عدالت (آیه ۶۹ سوره الزمر).

توجه داریم که:

- نه فقط یک کلمه در یک یا چند جا و سوره مختلف به معانی مختلف به کار رفته، بلکه:
 - در یک سوره و حتی در یک آیه یا جمله نیز این یک کلمه در چند معنی مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.
- تازه، این برابری ها به وسیله متکلمین و مفسرین قرآن، ساخته و پرداخته و پیشنهاد شده اند و مطابق معمول، در بسیاری از این موارد، بین همین شریعت سازان اختلاف نظر وجود دارد.

³⁰⁷ Cemaluddin Abdurrahman, Ibnü'l-Cevzi, Nüzhetü'l-A'yün, Nur, s. 599, quoted by Turan Dursun, Allah, ibid, s. 63.

قبلاً توضیح داده شده است که «تفسیر» قرآن به معنی توضیح ساده معنی و مفهوم قرآن نیست، چرا که «آن چه عیان است، چه حاجت به بیان است». تفسیر بر عکس، به معنی استخراج معانی با استفاده از حدیث، روایات و سایر منابع بشری، و از آن رو، ساخته و پرداخته بشری است. بدون این ابداعات بشری، بسیاری از این معانی تا این اندازه آش هم شناسائی نمی شدند، یا با همه این معانی و مفاهیم شناخته نمی شدند. با این وجود، هنوز هم کسی نمی داند که: چه حدودی از این معانی صحت دارند، - تا کجای این ابداعات با واقعیت منظور خدا می خواند، یا اصلاً نمی خواند و، - چه حدودی از این معانی فقط ساخته و پرداخته شریعت سازان و دین فروشان اسلامی اند، و اساساً غیر دینی و غیر الهی اند.

- معانی معلوم و کلمات متفاوت

از بحث فوق در این مورد که «کلمات معلوم»، «معانی فراوان و نامعلوم دارند، این نتیجه نیز حاصل می شود که: - در قرآن بسیاری از موضوعات معین گاهی نه فقط با یک کلمه و اسم، بلکه با چندین کلمه و اسم خوانده شده اند. این بدان می ماند که کسی در آیه ای به اسم حسن، در آیه دیگری به اسم حسین و در آیات دیگری هم به اسم های احمد، علی و ولی خوانده شود. این نامگذاری های مختلف و چندگانه، به سهم خود امکان درک و فهم محتوی آیات و متون قرآنی را از خواننده سلب می کند. این موضوع تا به حدی پیچیده است که هنوز هم مفسران و متکلمان بر سر این که خود این کتاب دینی چند نام و عنوان دارد به توافق نرسیده اند: - "طبری مفسر معروف قرآن، تعداد اسامی «کتاب» را چهار مورد معرفی می کند³⁰⁸ که از آن جمله اند: قرآن، فرقان، کتاب و ذکر. این در حالی است که مفسر معروف اسلامی جلال الدین سویوتی³⁰⁹ تعداد

³⁰⁸ Taberi, Cmiul-Beyan, 132, quoted by Turan Dursun, Kuran, s. 25.

³⁰⁹ Süyuti, İtkan, 1/67-68, quoted by Turan Dursun, Kuran, s. 25.

اسامی قرآن را ۵۵ مورد می‌داند. جلال‌الدین رازی^{۳۱۰} مفسر دیگر اسلامی، ۳۰ مورد از این نام‌ها را در کتاب خود اسم می‌برد که از آن جمله اند: کتاب، فرقان، ذکر، هدی، نور، حاکم، حدیث، حکم، حکمت، محکم، شفا، رحمت، بیان، روح و سایر^{۳۱۱}.

می‌بینیم که در این شرایط پیچیده:

- نه نام‌ها و عناوین، مورد و موضوع مورد نظر را به تمامی معرفی می‌کنند و نه هر مورد و موضوع فقط با اسمی معین نامیده شده و مورد خطاب قرار می‌گیرد. پس با این وجود، برای خواننده قرآن، یک کتاب می‌ماند با تعداد فراوانی کلمه چند پهلو که در هر جایی به معنی‌ئی به کار رفته‌اند. در نتیجه، در بسیاری موارد:

- نه معلوم است که کلمه‌ای معین در کجای قرآن چه معنی می‌دهد و،
- نه معلوم است که این معنی معین، این و هر بار کدام کلمه را مورد خطاب و بحث قرار می‌دهد.

بدیهی است که در این شرایط دشوار:

- کشف همه معانی بسیاری از این کلمات جز با حدس و گمان (تفسیر و تأویل) ممکن نیست.

به تکرار یادآوری می‌شود که این مسایل همان اندازه که مانع درک و فهم معنی و مفهوم قرآن می‌شوند، برای شریعت‌سازان فرقه‌های اسلامی فرصتی طلایی ایجاد کرده و می‌کنند تا در معانی قرآن (که دیدیم معادل با "کلام الله" فرض می‌شود) دست ببرند و برای تحمیل معانی مورد نظر خود به این کلمات «چند پهلو و چند معنی» بکوشند. اینان، در همان حال، با بهره‌مندی از مسایل و مشکلاتی که ناشی از فقدان نظم منطقی قرآن‌اند، دخالت در محتوی قرآن را توجیه کرده و اصلاح، تحریف و تغییر معنی و مفهوم قرآن را مشروع و وظیفه دینی خود می‌نمایند.

³¹⁰ F. Razi, 2/14-18, quoted by Turan Dursun, Kuran, s. 25.

³¹¹ Turan Dursun, Kuran, s. 25.

